

بررسی تطبیقی مضامین مشترک ادب مقاومت ایران و فلسطین

حسین آریان*

تاریخ دریافت: ۹۴/۸/۳

نسرین بیرانوند**

تاریخ پذیرش: ۹۵/۱/۱۵

چکیده

بررسی تطبیقی مفهوم مقاومت، به عنوان یکی از مضامین برجسته ادبیات جهان و نیز بخش مهمی از ادب متعهد و ملتزم در شعر دو کشور ایران و فلسطین است. ادبیات پایداری ادبیات ستیزه و عشق به آرمان‌ها و ارزش‌هاست. ادبیات پرتلاطمی است که یأس و ناامیدی را نمی‌پذیرد. جایگاه ادبیات پایداری، به ویژه شعر، در تحولات ملت‌ها انکارناپذیر است. دغدغه‌های شاعران این نوع ادبیات بیدار کردن و آگاهی انسان‌هاست. از مهم‌ترین درونمایه‌های شعر پایداری، شهید، دعوت به مبارزه، وطن، نماد، مقاومت، صلح و دوستی و ... می‌باشد. هدف این مقاله که با روش تحلیلی - توصیفی انجام گرفته است، بررسی مضامین مشترک ادب مقاومت در شعر شاعران معاصر ایران و فلسطین است. برای نیل به این منظور *سلمان هراتی* و *قیصر امین‌پور* به عنوان دو شاعر مقاومت معاصر ایرانی و *سمیح القاسم* و *محمود درویش* به عنوان دو شاعر مقاومت معاصر فلسطینی انتخاب شدند. شهید و شهادت، دعوت به مبارزه، وطن و وطن‌پرستی، هویت ملی و مذهبی و ... همگی از مضامینی هستند که جلوه خاصی در هر دو ادب دارند. **کلیدواژگان:** ادبیات تطبیقی، ادبیات مقاومت، مضامین پایداری، شاعران معاصر.

* استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد زنجان، دانشگاه آزاد اسلامی، زنجان، ایران.

pnu.ababiyat@yahoo.com

** دانش‌آموخته کارشناسی ارشد زبان و ادبیات فارسی.

نویسنده مسئول: نسرین بیرانوند

مقدمه

پایداری یکی از واقعیت‌های مهم زندگی بشری و محصول هم‌دلی میهنی یا قومی در برابر گونه‌ای از تجاوز طبیعت بشری است. بدون شک نام این رویداد عظیم «جنگ» است. «جنگ ادامه سیاست و عملی خشونت‌آمیز است که هدفش وادار کردن حریف به اجرای خواسته‌های طرف دیگر است. بنابراین مفهوم جنگ در عمل، رودررویی سازمان‌یافته دو یا چند دولت بر سر اهداف از پیش تعیین شده است» (تندرو، ۱۳۸۲: ۱۶). بر این اساس و با توجه به تعریفی که از جنگ ارائه شد، این پدیده می‌تواند به دو شکل بروز یابد: (۱) جنگ داخلی و (۲) جنگ بیرونی.

جنگ داخلی عموماً برای دستیابی به خواسته‌های مورد نظر در برابر ناملایمات حکومتی و استبداد، اختناق داخلی و عدم آزادی بیان و جنگ بیرونی برای بدست آوردن منابع و سود بیش‌تر بین ملت‌ها صورت می‌پذیرد (رک: ادیبی‌سده، ۱۳۸۱: ۳۲). در نگاهی دیگر می‌توان به جنگ از دو منظر «عادلان» و «ناعادلانه» نگریست. بر این اساس ادبیات شکل‌گرفته در حوزه جنگ دو وجه دارد: ادب مقاومت، پایداری و حماسه یا ادب جنگ است. از منظر ادب پایداری؛ دفاع (یا مقاومت)، جنگیدن علیه ظلم و ستم، کشتن، ویران کردن و کشته‌شدن موضوعاتی هستند که حاوی ارزش تلقی می‌شوند و از منظر ادب جنگ این موضوعات ضد ارزش، منفی و نفرت‌آور هستند اما امروزه کشورها به جای جنگ و سلاح نظامی، به «جنگ نرم» و «تهاجم فرهنگی» روی می‌آورند؛ زیرا به آسانی و راحت‌تر می‌توانند ذهن جوانان را تسخیر کرده و کشور مقابل را تضعیف و مطیع خود سازند.

یکی از مهم‌ترین مقوله‌های مورد استفاده دشمن در جنگ نرم علیه سایر کشورها، ادبیات است. ادبیات از آنجا که از دل و روح (عاطفه، خیال، احساس، بینش و اندیشه) برمی‌آید، به همان اندازه هم تأثیرگذار است و می‌تواند به آسانی مورد توجه قرار گیرد. در زمانی که برخی از قدرت‌های سلطه‌جو و استعمارگر، به دیگر کشورها هجوم می‌برند و به غارت و چپاول آن می‌پردازند نوعی دیگر از مقاومت شکل می‌گیرد که به ایستادگی در برابر متجاوزانی که قصد پایکوبی هویت و ملیت کشوری را دارند منجر می‌شود و این پایداری و مقاومت ملی، باعث ترقی و رشد فکری آن ملت می‌گردد.

بیان مسأله

دو کشور ایران و فلسطین از جمله کشورهایی هستند که مورد تهاجم بیگانگان قرار گرفته‌اند که این تهاجم، تمامی ابعاد زندگی این دو ملت را تحت تأثیر خود قرار داد؛ بدین سبب، شاعران برای حفظ و حراست سرزمینشان به پا خاستند. شاعران نیز همانند مردم با بیان شعری خود، به نبرد با استعمار پرداختند و از ورای سروده‌های خویش، به ترسیم وضعیت نابسامان جامعه پرداختند تا مردم را به مقاومت و پایداری در برابر این بی‌ثباتی و ناامنی فراخوانند و وحدت و یکپارچگی را میان آنان حاکم نمایند.

اهداف تحقیق

- بیان مضامین مشترک میان ادب مقاومت دو کشور ایران و فلسطین.

ضرورت تحقیق

ضرورت این پژوهش بیش‌تر در این زمینه است که تا کنون در میان پژوهشگران، کسی به این مسأله نپرداخته و با همه اهمیتی که داشته است، مورد اهتمام خاص پژوهشگران ما قرار نگرفته است و اگر در این باب شرح و بسطی پیش بگیریم رواست.

بحث و بررسی

تعریف واژه‌ها و اصطلاحات

ادبیات تطبیقی

ادبیات تطبیقی شاخه‌ای از ادبیات است که ظاهراً ادبیات کشورهای مختلف جهان را بررسی می‌کند. ادبیات تطبیقی پدیده‌ای جدید و زاده قرن معاصر است. زادگاه آن فرانسه است و پژوهشگران فرانسوی نخستین کسانی هستند که این شیوه جدید را در تحقیقات ادبی رواج دادند. «اندیشه ادبیات تطبیقی در اروپا در اواخر قرن ۱۹ و اوایل قرن بیستم رواج یافت» (غنیمی هلال، ۱۳۷۳: ۱۰۷).

ادبیات مقاومت

«ادبیات مقاومت به مجموعه آثاری اطلاق می‌شود که از زشتی‌ها و فجایع مستکبران داخلی یا تجاوزگر بیرونی در همه حوزه‌های سیاسی، فرهنگی، اقتصادی و اجتماعی با

زبانی ادیبانه سخن می‌گوید. برخی از این آثار پیش از رخ نمودن فاجعه، برخی در زمان جنگ یا پس از گذشت زمان به نگارش چگونگی آن می‌پردازد» (غالی، ۱۳۷۱: ۱۰).

ادب پایداری

«اصطلاح «ادبیات پایداری» اصطلاحی است نو و در سده‌های اخیر مرسوم شده است؛ عموماً به ادبیات منظوم و منثور شامل نمایشنامه، داستان کوتاه و بلند، طنز، حسب حال‌ها و نامه‌ها و آثاری که در دوران معاصر با انگیزه اعتراض به جنبش‌های ضد آزادی و پایداری در برابر متجاوزان؛ دربردارنده رهایی و پیشرفت جوامع بشری تألیف و آفریده شده‌اند گفته می‌شود» (کمسفیدی، ۱۳۸۸: ۳۷۰).

ادبیات مقاومت ایران و فلسطین

ادبیات مقاومت ایران در دوره‌های مختلف سر بر آورد که در دوره معاصر شامل چند بخش است:

- ۱- دوره مشروطه و ظهور *ملک الشعرای بهار*، *ایرج میرزا*، *فرخی یزدی* و...
- ۲- دوره پهلوی و ظهور *هوشنگ ابتهاج*، *فریدون مشیری*، *سهراب سپهری* و...
- ۳- دوره انقلاب و جنگ تحمیلی و ظهور *قیصر امین‌پور*، *سلمان هراتی*، *قادر طهماسبی* و...

ادبیات مقاومت در ادبیات عربی نیز در دوره‌های مختلف جلب توجه می‌کند. در دوره جاهلی به دلیل نزاعات قبیله‌ای و قومی، ادبیات مقاومت وجود داشته است، شعر *شعرای صعالبک*، همچون *عنتره*، *عروة بن ورد* و *شنفری* نمایشگر همین نوع ادبی است. در نزاع‌های قبیله‌ای شعر *عمرو بن کلثوم*، نمونه دیگر آن است و البته در دوره‌های بعد از عصر جاهلی، به فراخور مقتضیات زمان و احوال سیاسی و اجتماعی حاکم بر آن دوره هم، شعر و ادب مقاومت به گونه‌های مختلف در شعر و ادب عربی خود را به نمایش می‌گذارد. این مطلب در دوره‌های مختلف صدر اسلام، اموی، عباسی، انحطاط و به ویژه دوره معاصر فراوان به چشم می‌خورد (محسنی نیا، ۱۳۸۸: ۱۴۴).

مضامین مشترک مقاومت در بین شاعران معاصر ایران و فلسطین شاعران ایرانی (سلمان هراتی، قیصر امین پور) شهید و شهادت

به نظر نگارنده شهادت را می‌توان محوری‌ترین عنصر ادبیات مقاومت و دفاع مقدس دانست. هر جا که عنصر شهادت به چشم می‌خورد به نوعی عناصر دیگر را هم در کنار آن می‌بینیم. شهادت عالی‌ترین مفهوم شعر انقلابی است. این عنصر در قالب نیمایی و سپید بسیار زیبا ارائه شده است:

در سینه‌ام دوباره غمی جان گرفته است امشب دلم به یاد شهیدان گرفته است

(هراتی، ۱۳۸۰: ۱۴۹-۱۵۰)

چون که فردا شد و خورشید کدر شد من هم از جمله شهیدان تو باشم

(هراتی، ۱۳۸۰: ۱۵۶)

بیا به خانه آلاله‌ها سری بزنیم ز داغ با دل خود حرف دیگری بزنیم

به یک بنفشه صمیمانه تسلیت گوئیم سری به مجلس سوگ کبوتری بزنیم

شبی به حلقه درگاه دوست دل بندیم اگرچه وا نکنند، دست کم دری بزنیم

اگرچه نیت خوبی است زیستن اما خوشا که دست به تصمیم بهتری بزنیم

(امین پور، ۱۳۷۹: ۴۳)

عاشورا

عاشورا و نهضت حسینی بی‌گمان بزرگ‌ترین قیام علیه ظلم و ستم در جهان به شمار می‌رود زیرا در رأس این نهضت امام معصوم و حجت خدا قرار داشته است. بخشی از ادبیات پایداری هم به عاشورا اختصاص یافته است و شاعران انقلاب سروده‌های زیبایی با مضمون عاشورا و قیام حسینی سروده‌اند.

میزبانان موافق، میزبانان ناموافق،

نان بیعت را تبلیغ می‌کنند

هفتاد و دو آفتاب، به ادامه انتشار کهکشان از روشنای مشرق عشق برآمدند

آه ای بزرگوران،

یاران عطش ناپیدای شما را هزاران اقیانوس به تمنا نشسته است
(هراتی، ۱۳۸: ۲۷-۲۸)

راستی آیا کودکان کربلا،
تکلیفشان تنها دائماً تکرار مشقِ آب! آب! مشقِ بابا آب بود؟
(امین پور، ۱۳۸۹: ۲۰)

نماد

نماد یکی از مضامین مهم مقاومت است. «نماد در فضای ذهن شاعر متولد می شود، به میان مخاطبان می رود و از آنجا با رسمیتی که پیدا می کند دوباره به شعر باز می گردد و با سیر بسامدی خود در ذهن و زبان دیگر شاعران کارکرد فرهنگی خود را تثبیت می کند. در شعر انقلاب اسلامی نیز، واژگانی چون لاله، سیاه، گل، ستاره، آفتاب و ... ذیل مفاهیم شهادت در نقش نماد ظهور یافتند و جایگاهی ویژه در انتقال مفاهیم انقلابی و آرمانی داشتند» (عمرانی، ۱۳۸۷: ۲).

ای آبی سیال
چقدر به اقیانوس می مانی
که دستهای تو سبز است و آسمان تو آبی
(هراتی، ۱۳۶۴: ۱۰)

دوست دارم تو را
آنگونه که عشق را ... دریا را ... آفتاب را
(هراتی، ۱۳۶۴: ۱۱)

در اشعار قیصر/امین پور کبوتر نماد شهید است:
به یک بنفشه صمیمانه تسلیت گوئیم
سری به مجلس سوگ کبوتری بزنیم
(امین پور، ۱۳۷۹: ۱۲۱)

قیصر/امین پور رنگ سرخ را در شعر خود در معنای خون به کار برده است و علامت
خطر است:
اینجا

وضعیت خطر گذرا نیست
آژیر قرمز است که می‌نالد

(امین پور، ۱۳۸۴: ۱۳۹)

ستایش امام

تو آمدی ساده‌تر از بهار
مثل تلاوت آیه‌های قیامت
با بعثتی عظیم
و ما از خویش پرسیدیم زیستن یعنی چه؟
و یاد گرفتیم بگوییم تو کلت علی الله

(هراتی، ۱۳۶۴: ۳۶)

بهار از تبار محمد است
و جهان به تدریج در قلمرو این بهار گام می‌زند

(هراتی، ۱۳۶۴: ۲۲۲)

لبخند تو خلاصه خوبی هاست
پیشانی ات تنفس یک صبح است
لختی بخند، خنده گل زیباست
صبحی که انتهای شب یلداست

(امین پور، ۱۳۸۹: ۴۰۷)

دعوت به جنگ و مبارزه

من از حضور این همه بیخودی در خانه ام متنفرم
ای دل برخیز برای رفتن فکری بکنیم

(هراتی، ۱۳۸۰: ۷۹)

ما چقدر غافلیم!
ما که به بوی آسفالت عادت کرده‌ایم
و نشسته‌ایم هر روز کسی بیاید
زباله‌ها را ببرد

(هراتی، ۱۳۸۳: ۸۸)

میدان به سپاه خصم تنگ است هنوز
از خون شهید لاله رنگ است هنوز
شمشیر مکن غلاف جز در تن خصم
از دست منه سپر که جنگ است هنوز
(امین پور، ۱۳۶۳: ۶۳)

وطن

ای ایستاده در چمن آفتابی معلوم وطن من!
ای تواناترین مظلوم تو را دوست می‌دارم!
ای منظومه نفیس غم و لبخند
ای فروتن نیرومند!
ایستاده‌ایم در کنار تو سبز و سربلند

(هراتی، ۱۳۸۰: ۱۵-۱۶)

هرچند که دلتنگ‌تر از تنگ بلورم
با کوه غمت تلخ‌تر از سنگ صبورم
اندوه من انبوه‌تر از دامن الوند
بشکوه‌تر از کوه دماوند غرورم
بگذار به بالای بلند تو بیالم
کز تیره نیلوفر و تشنه نورم

(امین پور، ۱۳۸۶: ۵۴)

شاعران فلسطینی (سمیح القاسم، محمود درویش)

شهید و شهادت

الرجل الغامض کان اسمه
وكانت البلاد ترزح
تحت الحزن والجراد
وصار یاما صار فی یوم من الایام
ان سار للامام

وجلجلت صرخته
فی ساحتہ المنازل البیضاء
وازدحم الشیوخ والاطفال
والرجال والنساء
فی ساحة المنازل البیضاء
وهالهم ان البصروه، یضرم النبران
فی المعطف العتیق
ان السماء احتقنت بغیمة خضراء
وغیمة بیضاء،
وغیمة سوداء وغیمة حمراء

(دیوان، ج ۱: ۲۶۲)

- نامش مرد مرموز بود/ و شهر در زیر/ اندوه و ملخ، واماند/ و او در روزی از روزها/
چونان شد، که به پیش می‌رفت/ و فریادش در میدان/ خانه‌های سپید طنین
انداخت/ و پیر و جوان/ و مرد و زن/ در میدان خانه‌های سپید گرد آمدند/ و او را
دیدند که آتش/ بارانی کهنه‌اش، افروخته شد/ آسمان یا ابری سبز خفه شد/ و با
ابری سپید/ و با ابری سیاه و با ابری سرخ(فرزاد، ۱۳۸۳: ۲۲۲).
محمود درویش از شهیدی می‌گوید که نگاه او به شهادت، نگاه به فداکاری و از خود
گذشتگی است در ازای از دست دادن زندگی دنیوی، در مقابل زندگی جاودان اخروی را
دوست دارد:

الشهید یحاصرني كلما عشت يوماً جديداً
ويسألني: اين كنت؟
اعد للقوامين كل الكلام الذي
كنت اهديتنيه
وخفف عن النائمين طنين الصدى!
الشهيد يوضح لي
لم افتش وراء المدي

عن عذاری الخلود،
فإني احب الحياة

(نصر الله، ۲۰۰۷: ۹۴)

- آن شهید پیوسته هرگاه روزی نو را آغاز می‌کنم؛ مرا محاصره می‌کند. و می‌پرسد کجا بودی؟! آن کلامی را که به من هدیه داده ای برای رهروان پابرجا و استوار آماده ساز/ و طنین و صدای پژواک را بر گوش خفتگان کم کن/ آن شهید برای من روشن ساخت که در ماورای افق وسیع به دنبال زیبارویان ابدی نباشم/ زیرا که زندگی دنیا را دوست می‌دارم.

دعوت به مبارزه

شعرهای بسیاری از سمیح القاسم با مضمون مبارزه و عدم سازش پذیری وجود دارد. یکی از مشهورترین آن‌ها قصیده «خطاب فی سوق البطاله» است که بر مقاومت تا آخرین نفس و عدم سازش با دشمن تأکید می‌کند. از آنجا که یکی از عناصر اصلی شعر مقاومت فلسطین «مبارزه طلبی» است، همین عنصر باعث تهییج به مقاومت در مخاطب می‌شود.

ربما افقد- ما شئت معاشی!
ربما اعرض للبيع ... ثيابی و فراشی ربما اعمل حجراً...
و عتالاً و کناس شوارع!
ربما اخمد... عرياناً و جائع!
يا عدو الشمس... لكن... لن اسوم
وإلى آخر نبض في عروقي، ساقاوم!
انها عوده يولبسيز
من بحر الضياع.
عودة الشمس... وانسانی المهاجر!
ولعينيها وعينيه... يمينا... لن أساوم
سأوقاوم، سأوقاوم، سأوقاوم

(دیوان، ج ۱: ۹۱)

- اگر باید که نانم را از دست دهم! / اگر باید که پیراهن و بستم را بفروشم / اگر باید که سنگ تراشی کنم / یا باربری یا جارو کشی / یا از گرسنگی بمیرم و تمام شوم / و تا پایان می جنگم / ای دشمن خورشید! سازش نمی کنم ... / کشتی های «بولیس» / از دریا های گمشده به سوی میهن بادبان گشوده اند / خورشید طلوع می کند... و انسان به پیش می رود / و به اوست که سوگند می خورم، سازش نمی کنم / و تا آخرین نفس می جنگم، می جنگم، می جنگم (طاهباز، ۱۳۸۰: ۷۶ و ۷۵).

ما زال فی صحنکم بقية من العسل
ردّوا الذباب عن صحنکم
لتحفظوا العسل
ما زال فی کرومکم عناقد من العنب
ردّوا بنات آوی
یا حارسی الکروم
لینضج العنب

(درویش، ۲۰۰۰، ج ۱ و ۲: ۹)

- تا آنگاه که در کاسه های تان / قدری عسل باقی است / مگس ها را از آن برانید و دور کنید / و تا زمانی که بر درختان انگورتان خوشه های انگور آویزان است / شغال ها را برانید / ای نگهبانان تاجکستان (باغ های انگور)

وطن

سمیح القاسم در شعر «انتظرونی» (منتظرم باش) درباره شوق بازگشت به میهن، خطاب به آن می گوید: هر چند دست هایم بسته است و زخمی بر سینه، اما به تو می گویم که برمی گردم.

عنقی علی السکین یا وطنی
ولکنی أقول لک: انتظرونی
ویدای خلف الظهر یا وطنی مقیدتان
والاوتار یا وطنی مصادره

ولکنی اغنی، لک أه یا جرحیب، اغنی

(دیوان، ج ۱: ۲۰۱)

- گلو بر دشنه دارم، میهنم/ اما می گویم، چشم انتظارم باش/ دست‌هایم از قفا
بسته است/ اما برای تو... أه ای زخم من/ آواز می‌خوانم(نوری داشلی برون،
۱۳۸۱: ۶۲)

علقونی علی جدائل نخلة
واشنقونی... فلن اخون النخلة!
هذه الأرض ولی... وکنت قدیما
احلب النوق راضياً وموله
وطنی لیس حقل اهله
لیس ضوء علی سوالف فله
وطنی غصبة الغریب علی الحزن
وطفل یرید عیدا وقبله
وریاح ضاقت بحجره سجن
وعجوز یبکی بنینه... وحقله
هذه الأرض جلد عظمی
وقلبی
فوق اعشاهها یتیر کنحلة
علقونی علی جدائل نخلة
واشنقونی... فلن اخون النخلة!

(درویش، ۲۰۰۰م: ۱۰۹)

- مرا بر تنه درخت نخل بیاویزید/ و اعدام نمایید... هرگز به این نخل خیانت
نمی‌کنم/ این سرزمین مال من است... از گذشته‌های دور/ وطن من قصه و سرود
نیست/ این سرزمین پوست و استخوان من است/ قلب من است/ بر فرازش مانند
زنبور عسل پرواز می‌کنم/ مرا بر تنه درخت نخل بیاویزید/ و اعدام نمایید... هرگز
به این نخل خیانت نمی‌کنم.

اوضاع نابسامان مردم

سمیح القاسم در اشعارش اغلب وضعیت بد زندگی در سرزمین‌های اشغالی را بیان می‌کند. او از جمله کسانی است که علی‌رغم همه رنج‌ها و سختگیری‌هایی که کشیده است حاضر به ترک فلسطین اشغالی نشد. سَمیح القاسم در اشعارش رنج‌ها و عذاب‌هایی را که مردم فلسطین دچار آن هستند با کلماتی حزن‌انگیز بیان می‌کند. قاسم در قصیده «قمیصنا البالی» (پیراهن فرسوده ما) هم از شدت گرفتاری‌های مردم فلسطین سخن می‌گوید. سخنان او در این شعر، خطاب به مادرش است.

یصدعها الدوار

أنا راحل والسیل والتوفان بعدی والحریق

أنا لن أطق

(دیوان، ج ۱: ۹۷-۹۸)

- مادر! ماندن ما در این سرزمین خودکشی است/ مادر! من می‌روم که سرم از درد می‌ترکد/ من می‌روم که سیل و توفان/ و آتش را پشت سر بگذارم/ که دیگر طاقتم نیست (نوری داشلی برون، ۱۳۸۱: ۷۱).

محمود درویش در شعر «ملاحظة علی الأغنیة» (نگاهی به ترانه) به این واقعیت اشاره می‌کند که کودک خردسال فلسطینی نیز از همان آغاز کودکی، طعم تلخ ستم و مظلومیت را می‌چشد:

أخذوا منك الحصان الخشبي

أخذوا، لا بأس، ظل الكوكب يا صبي!

يا زهرة البركان، يا نبض يدي

إنني ابصر في عينيك ميلاد الغد

وجواداً غاص في لحم أبي

نحن أدرى بالشیاطین

التي تجعل من طفل نبیا

- اسب چوبی را از تو گرفتند/ سایه ستارگان را گرفتند/ ای نونهال!! ای گل آتشفشان، ای نبض دستم/ و اسبی را که در خون و گوشت پدرم فرو رفته / من

در چشمانت میلاد خود را می‌بینم / ما به شیاطینی که از کودکی / پیامبری
می‌سازند، آگاه‌تریم (درویش، ۱۳۵۸: ۶۵).

نماد

سمیح / القاسم رنگ سرخ را در اشعار بسیار به کار برده است. رنگ، نماد خون و
شهادت است و رنگ سفید رنگ تقدس و پاکی.

عصفورة مقطوعة الجناح ضاقت

بها الرّیاح وسقطت فی أحد المواقع

أیتها المدافع

سنبله وورده علی حدود الغابه

طریق العوده؟

أیتها الدّابه!! سحابة بیضاء سحابة حمراء

طائرة تحزّ کالسکین فی خیمة السماء

- گنجشکی بال بریده / بادهای بر او تنگ گرفتند / و در یکی از سنگرها / ای
توپخانه‌ها!! گل سنبل و گل سرخی / در مرزهای آن جنگل افتاده است / راه
بازگشت کجاست؟ / ای تانک!! ابری سفید، ابری قرمز، هواپیمایی به سان
چاقویی، خیمه آسمان را می‌شکافد!

رنگ سیاه از پربسامدترین رنگ‌ها در دیوان شاعر است. سمیح / القاسم این رنگ را
نمادی از غم و اندوه، فضای تاریک و خفقان‌آور سرزمین فلسطین و گاهی ناامیدی خود
می‌داند و از آنجا که شاعر، در فضای حاکم بر روح و ذهن خویش که متأثر از تجربیات
زندگی خود و فاجعه فلسطین است در قصیده «رسالة من المعتقل» می‌سراید:

لیس لدیّ ورق ولا قلم

لکننی من شدّة الحرّ، ومن مرارة الألم

یا أصدقائی لم أنم

فقلت: ماذا لو تسامرت مع الأشعار

وزارنی من کوة الرّزانة السّوداء

لا تستخفّوا زارنی وطواط

وراح، فی نشاط

یقْبَل الجدران فی زلزانتی السّوداء

(دیوان، ج ۱: ۶۳)

- کاغذ و قلمی ندارم / ولی از شدت گرما و تلخی درد / دوستان من! نخوابیدم / پس
گفتم: چه می شد اگر با اشعار، شب‌نشینی داشته باشم / از شکاف
سلول «سیاهم»، خفاشی به دیدارم آمد! / بی ارزش شمارید! خفاشی به دیدارم
آمد / و با چابکی / بوسه‌زدن بر دیوارهای سلول «سیاهم» را آغاز کرد.
شاعر در این قطعه با آوردن صفت «السوداء» اوج غم و اندوه خود را به خواننده القا
می‌کند (همان: ۴۸۳).

در شعر درویش مادر نماد وطن گرفته شده است؛ درویش وطن را مادر خویش
می‌داند و علت این امر وابستگی شاعر به وطن می‌باشد. وطنی که همچون مادر عزیز
است.

الطفلة احترقت امها

أمامها

احترقت كالمساء

- آن کودک مادرش سوخت و شعله‌ور شد / در مقابل چشمانش / مانند شعله‌های
غروب.

گرگ در ادبیات نماد ددمنشی و خونخواری است و اغلب برای اشاره به دشمنان به
کار برده می‌شود. دشمنی که همچون گرگ با زیرکی به گله ملت حمله می‌کند و آن‌ها
را تار و مار می‌کند.

أنا يوسف یا ابی یا ابی، اخوتی لا یحبوننی

والذئب أرحم من إخوتی

(درویش ۲۰۰۰، ج ۱ و ۲: ۵۰۴)

ای پدر! ای پدر! من یوسفم؛ / برادرانم مرا دوست نمی‌دارند / و گرگ از برادرانم
مهربان‌تر است.

مقاومت و پایداری

در جریان جنگ هنگامی که دامنه آن، به قدری گسترش می‌یابد که مردم بی‌دفاع شهرها و روستاها نیز درگیر آن می‌شوند، ترغیب و تشویق مردم به استقامت و پایداری در برابر دشمن یکی دیگر از کارکردهای شعر مقاومت است. یکی از مضامین عمده در اشعار سمیح القاسم تأکید بر مقاومت و سازش‌ناپذیری است، سمیح القاسم قصاید مختلفی در این زمینه سروده است از جمله:

خطاب فی سوق البطاله، کفر قاسم، حوارية العار ... که می‌توان دقیقاً آن‌ها را در مسیر مقاومت دانست. اما بهترین این نمونه‌ها «خطاب فی سوق البطاله» (خطابی از بازار بیکاری) است.

سمیح القاسم در این شعر واقعیت تلخ اعراب سرزمین اشغال‌شده را تصویر می‌کند، که دشمن در راه تبدیل آن‌ها به «طبقه خدمتگزاران یهود- چنانکه یک نماینده اسرائیلی گفته است- کار نشدنی را انجام می‌دهد. پس وجدان مردمی مقاومت در سرزمین تصرف‌شده همواره ثابت می‌کند که در لحظه بهم‌پیوستگی، بی‌درنگ تا مرز رویارویی دلیرانه پیش می‌رود» (کنفانی، ۱۳۵۶: ۴۳).

محمود درویش نیز در شعر «مفتی الدم» (آوازخوان خون) پس از برشمردن تمام رنج و درد مردم و کشته‌شدن عزیزانشان آن‌ها را به پایداری دعوت می‌کند.

کفر قاسم

اننى عدت من الموت لأحيا لأغنى

فدعيني استعصوتى من جرح

توهج

وأعيني على الحقد الذى يزرع

فى قلبى عوسج

إننى مندوب جرح لا يساوم

علمتنى ضربة الجلاد

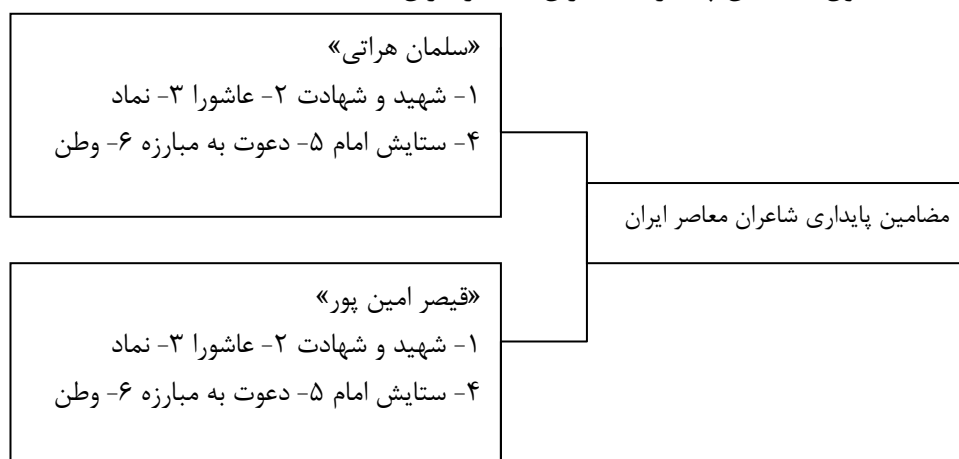
أن أمشى على جرحى

وأمشى... ثم أمشى

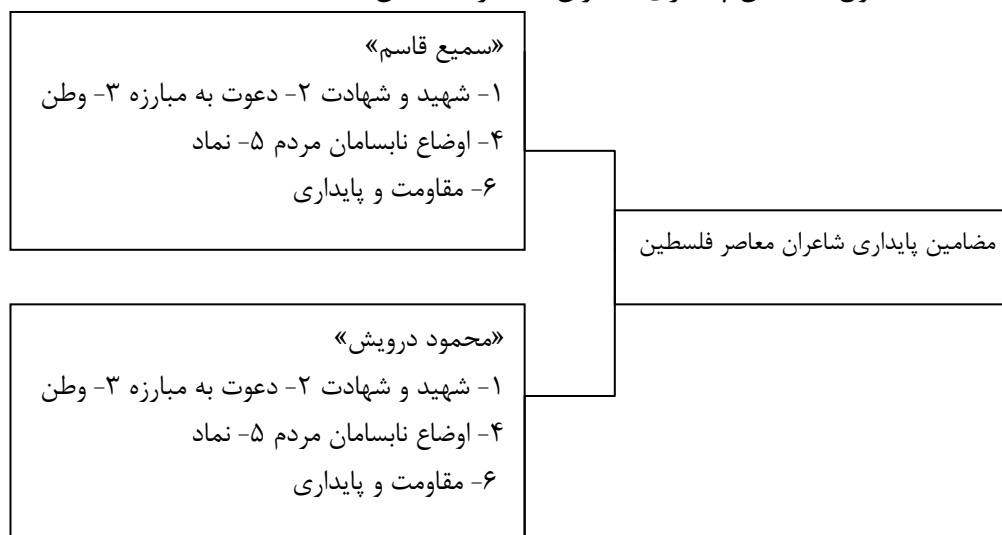
وَأَقَاوم!

- کفر قاسم/ من از مرگ بازگشتم تا زنده بمانم و آواز/ بخوانم/ پس بگذار آوایم را از زخمی شعله‌ور به عاریت گیرم/ و برابر کینه‌ای که در قلبم خار می‌کارد/ یاری ده / و پایداری کنم! / من نماینده زخمی هستم که چانه نمی‌زند/ ضربه دژخیم آموخت مرا/ که با وجود زخمم، ره بسپارم/ ره بسپارم/ و همچنان ره بسپارم(درویش، ۱۳۵۸: ۶۶).

الف- جدول مضامین پایداری شاعران معاصر ایران



ب- جدول مضامین پایداری شاعران معاصر فلسطین



بررسی شباهت‌ها و تفاوت‌های مضامین مشترک

شهید و شهادت

ستایش از شهیدان و بزرگداشت آنان از شباهت‌های اصلی شعر مقاومت ایران و فلسطین است از جمله تفاوت‌هایی که در مضمون شهید و شهادت در شعر مقاومت ایران و فلسطین به چشم می‌خورد، نوع نگاه شاعران مقاومت با موضوع آرزوی رسیدن به شهادت است که در شعر شاعران ایرانی، بازتاب بسیار داشته؛ ولی در شعر مقاومت فلسطین جلوه‌ای نداشته است.

دعوت به مبارزه

اصلی‌ترین کارکرد شعر مقاومت را می‌توان دعوت و تهییج به مبارزه و بیدارکردن روحیه سلحشوری در مردم دانست. این مضمون تقریباً به یک نحو در شعر مقاومت ایران و فلسطین بازتاب داشته است. شاعر مقاومت علاوه بر اینکه به ترغیب و تشویق به مبارزه دعوت می‌کند، بر تأکید مقاومت تا پیروزی نهایی و از پای ننشستن و همچنین سازش ناپذیری تأکید می‌کند. همچنین مقاومت نمودن و داشتن توان و نیرو برای مبارزه علیه دشمن از مسائلی است که شاعر به آن توجه دارد و در شعر شاعران مقاومت ایرانی و فلسطینی به وضوح دیده می‌شود.

وطن

در اشعار شاعران این دو کشور عشق و علاقه به وطن بسیار دیده می‌شود. در این میان تفاوت‌هایی نیز در این مضمون بین شاعران این دو کشور دیده می‌شود و آن، نوع نگاه شاعران ایرانی و فلسطینی به این مضمون است. در شعر شاعران فلسطینی با هجوم و اشغال سرزمین فلسطین و از بین بردن هویت ملی فلسطینیان روبه‌رو هستیم ولی در جنگ ایران و عراق حمله دشمن غصب و اشغال کشور ایران را به دنبال داشت. شاعر فلسطینی وطن خویش را از دست رفته می‌داند. وطنی که توسط اسرائیل غصب شده و تمام تلاش او این است که ثابت کند فلسطین از آن فلسطینی‌هاست؛ بنابراین در فکر پس گرفتن وطن خویش است. اما در کشور ایران سخنی از باز پس گرفتن وطن نیست؛

بلکه در این زمینه شاعر در آرزوی آن است که ویرانی‌هایی را که در اثر حمله موشک‌ها در کشور پدید آمده بازسازی نماید.

نماد

بکارگیری نمادها و رمزها یکی از برجستگی‌های ممتاز شعر معاصر ایران و عرب و خصوصاً شعر مقاومت می‌باشد که بکارگیری نمادها بسته به شرایط سیاسی و اجتماعی به صورت‌های متفاوت به کار می‌روند و مضامینی پربار و مهم را می‌سازند.

مقاومت و پایداری

شاعران مقاومت هر دو کشور توانستند این مضمون را هنرمندانه در اشعارش به تصویر بکشند و پیوسته هموطنان خود را به پایداری و مقاومت در برابر ظلم و ستم بیگانگان فراخوانند. شاعران در اشعار خود بر مقاومت در برابر دشمن تا آخرین نفس تأکید می‌کنند. تفاوت این مضمون در شعر شاعران دو کشور در این است که در ایران مقاومت و پایداری برای دست یافتن به پیروزی بود؛ ولی مقاومت و پایداری در کشور فلسطین نه‌تنها برای پیروزی بلکه به خاطر آزادی و رهایی از سلطه و اشغال رژیم صهیونیست و بیرون راندن آنان از خاک پاک کشور مقدسشان می‌باشد.

نتیجه بحث

در شرایطی که کشور جولانگه تاخت و تاز بیگانگان قرار گیرد، شاعران و نویسندگان انقلابی و مبارز زبان و ادبیات عربی و فارسی نسبت به وطن خویش و پاسداشت ارزش‌ها و آرمان‌های آن احساس تعهد و مسئولیت می‌نمایند و همانند مبارزان برای دفاع از سرزمینشان شجاعانه در صحنه نبرد گام نهادند، و همگام با مردم در حفظ وطنشان و ارزش‌های والای آن می‌کوشند. از آنجایی که دین مردم هر دو کشور اسلام و شاعران مورد تحقیق مسلمان هستند، می‌توان گفت از اشتراکات مذهبی بسیاری برخوردارند. آن‌ها با توجه به گرایش فطری که نسبت به قومیت و ملت خود دارند و با روحی سرکش و عاصی و با قلم و بیان هنرمندانه خود، به مبارزه علیه بیگانگان می‌پردازند. در میان مضامین اشعار مقاومت دو کشور مضامین وطن‌پرستی، شهادت طلبی و دعوت و تشویق

به مبارزه بیش‌ترین کاربرد را دارد و زیباترین سروده‌ها در وصف وطن و عشق به آن است؛ اما ستایش آزادی در این پژوهش تحقق پیدا نکرده است.

کتابنامه

- ادیبی سده، مهدی. ۱۳۸۱، **جامعه‌شناسی جنگ و نیروهای نظامی**، چاپ سوم، تهران: انتشارات سمت و دانشگاه اصفهان.
- القاسم، سمیح. ۱۳۹۳، **دیوان الشاعر العربی المعاصر (الاعمال الكاملة)**، ج ۳، القاهرة: دار السعد الصباح.
- امین پور، قیصر. ۱۳۶۳، **در کوچه آفتاب**، تهران: حوزه هنری.
- امین پور، قیصر. ۱۳۷۹، **تنفس صبح**، تهران: حوزه هنری.
- امین پور، قیصر. ۱۳۸۴، **گزینه اشعار**، تهران: انتشارات مروارید.
- امین پور، قیصر. ۱۳۸۶، **گل‌ها همه آفتابگردان‌اند**، چاپ سوم، تهران: انتشارات مروارید.
- امین پور، قیصر. ۱۳۸۹، **مجموعه کامل اشعار قیصر امین پور**، چاپ پنجم، تهران: مروارید.
- تندرو صالح، شاهرخ. ۱۳۷۲، **نسترن‌های سوخته**، تهران: انتشارات برگ.
- درویش، محمود. ۱۳۵۸، **آخر شب (ادبیات فلسطین)**، ترجمه موسی اسوار، تهران: انتشارات سروش.
- درویش، محمود. ۱۳۷۹/۲۰۰۰، **دیوان**، ۲ جلد، بغداد: دار الحریره.
- شکری، عالی. ۱۳۷۱، **ادب مقاومت**، ترجمه محمدحسین روحانی، تهران: انتشارات نشر نور.
- طاهباز، سیروس. ۱۳۸۰، **تپه آویشن (شعر مقاومت در فلسطین اشغال شده)**، تهران: فرهنگ گستر.
- عمرانی، خلیل. ۱۳۸۷، **بررسی اسطوره در دفتر شعر نصرالله مردانی نماد در قیام نور**، تهران: کیهان فرهنگی.
- غنیمی هلال، محمد. ۱۹۹۰، **الادب المقارن**، ط ۳، بیروت: دار العوده.
- فرزاد، عبدالحسین. ۱۳۸۳، **رؤیا و کابوس (شعر پویای عرب)**، ج ۲، تهران: مروارید.
- کمسفیدی، اصغر. ۱۳۸۸، **«ادبیات پایداری»**، نامه پایداری ۲، به کوشش احمد امیری خراسانی، چ اول، کرمان: اداره کل حفظ آثار و نشر ارزش‌های دفاع مقدس.
- کنفانی، غسان. ۱۳۵۶، **با شاخه‌های زیتون (ادبیات فلسطین)**، ترجمه علیرضا نوری‌زاده، تهران: انتشارات چکیده.
- نوری داشلی برون، نورپردی. ۱۳۸۱، **باد خانه من است؛ گنجشک بهانه (گزینه اشعار شاعران فلسطین)**، ترجمه موسی بیدج، ج ۲، تهران: امید ایرانیان و قصیده‌سرا.
- نصرالله. فؤاد. ۲۰۰۷، **تجلیات العولمة الثقافية والسیاسیة فی شعر محمود درویش**، الطبعة الاولى، بی‌جا.
- هراتی، سلمان. ۱۳۶۴، **از آسمان سبز**، چ اول، تهران: حوزه هنری سازمان تبلیغات اسلامی.

هراتی. سلمان. ۱۳۸۰، از آسمان سبز (مجموعه کامل شعرهای سلمان هراتی)، تهران: دفتر شعر جوان.
هراتی. سلمان. ۱۳۸۳، مجموعه کامل شعرهای سلمان هراتی، چاپ دوم، تهران: دفتر شعر جوان.

مقالات

محسنی نیا، ناصر. ۱۳۸۸، «مبانی ادبیات مقاومت ایران و عرب»، نشریه ادبیات پایداری، سال اول، شماره اول، دانشگاه شهید باهنر کرمان.